

## بررسی «مفاتیح الجنان» در نشست صد کتاب ماندگار قرن

کتاب «مفاتیح الجنان» یا گردآوری شیخ عباس قمی به عنوان دهمین کتاب از سلسله نشست‌های «صد کتاب ماندگار قرن» در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بررسی و معرفی می‌شود. این نشست یکشنبه ۱۹ فروردین ماه ساعت ۱۰ در اندیشه‌گاه فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بررسی می‌شود. مفاتیح الجنان مجموعه‌ای از دعاها، مناجات، زیارات و اعمال مخصوص ایام سال و ماه و روزها، منسوب به پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرين(ع)

### یادکردی از پروین اعتصامی در سالگرد درگذشت وی

# تنها شاعری که اشک یتیمان را دید

عمارتخی دردم در نقش پروین اعتصامی در فیلم پروین



آرش شفاعی گروه فرهنگ‌و هنر

امروز سالگرد درگذشت یکی از شاعران خاص و کم‌مانند ادبیات فارسی است. در ۱۵ فروردین ۱۳۴۰ رخشنده اعتصامی، متخلص به پروین در ۴۴ سالگی به دلیل بیماری حصبه درگذشت و به خاک سپردند.

پروین اعتصامی دختر و نورچشمی یک چهره مهم فرهنگی و ادبی دوران قاجار است. پدرش یوسف اعتصام‌الملک یکی از چهره‌های مرکزی ادبیات نخبه‌گرا در آن دوران است. در زمانه‌ای که مشروطیت توانسته پیروز شود و نخبگان زمانه با فلسفه، هنر و ادبیات کشورهای دیگر آشنا نشده‌اند و تقاضای درونی برای تجدید و تغییر در ادبیات و فرهنگ و هنر به یک خواسته عمومی تبدیل شده، یوسف اعتصام یکی از چهره‌های اصلی و پیشروان این ایجادخواهی است. او با تأسیس ماهنامه بهار موضوعات ادبی روز جهان را برای مخاطبان ایرانی مطرح می‌کرد و به واسطه تسلط بی‌نظیرش بر ادبیات فرانسه پای آثار نویسندگانی چون ویکتور هوگو، ژول ورن و شیرل را به ایران باز کرد. یوسف اعتصام نه فقط یکی از رجال ادبی، بلکه یکی از شخصیت‌های مهم سیاسی زمانه بود و چند دوره نماینده مردم تبریز و تهران در مجلس شورای ملی هم شد. یکی از تأثیرات مهم او بر ادبیات فارسی، ترجمه آثار کوتاه و حکایات شاعران و نویسندگان رمانتیک اروپایی، به‌خصوص فرانسوی و باز به‌طور ویژه ژان دو لافونتن بود که به‌سرعت مورد توجه شاعران فارسی‌زبان واقع شد.

#### نگاهی متفاوت در شعر

احتمالاً همه شما شعر:

جادش دیکي چشمه از کوهسار

به ره گشت ناگه به سنگی دچار

به نرمی چنین گفت با سنگ سخت:

کرم کرده راهی ده ای نیک بخت

گران سنگ تیره دل سخت سر

ز دش سیلی و گفت: دورای پسر...

یاشعر مشهور:

برو کار می‌کن مگو چیست کار

که سرمایه جوادانی است کار

نگر تا که دهقان دانا چه گفت

به فرزندنگان چون همی خواست خُفت...

#### روی قفسه

### دل نوشته‌های سرباز حاج قاسم در عراق

کتاب «پیش از اذان صبح»، نوشته احمد یوسف‌زاده شامل روایت‌هایی از شهید سردار قاسم سلیمانی به زبان عربی ترجمه و در عراق توزیع شد.

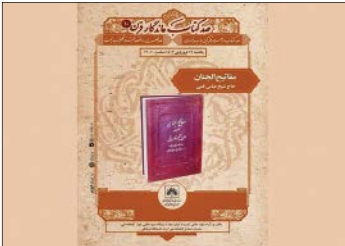
این اثر از جمله کتاب‌هایی است که همزمان با سالروز شهادت شهید حاج قاسم

سلیمانی منتشر شده است. یوسف‌زاده که در دوران جنگ تحمیلی ازجمله سربازان حاج قاسم بود، پس از جنگ نیز این ارتباط در عرصه فرهنگ ادامه یافت. کتاب از زمان اعزام یوسف‌زاده به جنگ و تلاش او برای قرا گرفتن در لیست سربازان با وجود سن وسال کمش شروع می‌شود و در ادامه، به ماجراهای جالبی اشاره دارد که ابعاد تازه‌ای از شخصیت شهید سپهبد قاسم سلیمانی را روایت می‌کند.

یوسف‌زاده که نگارش آثاری چون «آن بیست و سه نفر» را در کارنامه خود دارد، کتاب پیش از اذان صبح را حاصل یک کار قلبی می‌داند. او درباره ساختار متفاوت این کتاب گفت: بعد از شهادت سردار، خواستم ادای دینی به او کنم؛ به همین خاطر شروع به نوشتن کتاب کردم.

است که توسط شیخ عباس قمی در سال ۱۳۰۴ جمع‌آوری و تدوین شده است. این مجموعه، با دقت و اجاطه‌ای که مؤلف آن بر آثار اهل بیت(ع) و کتب دعا و زیارات داشته، از معتبرترین کتب و ادعیه گردآوری شده است. تاکنون کتاب‌های «تاریخ پیامبر اسلام» اثر محمدابراهیم آیتی، «نثر طوبی: دایره‌المعارف لغات قرآن کریم» اثر علامه ابوالحسن شعرانی، «بیست مقاله قزوینی» از مجموعه پژوهش‌های علامه محمد قزوینی، «زندگانی فاطمه زهرا سلام...

علیها» نوشته سید جعفر شهیدی، «مسأله حجاب» استاد شهید مرتضی مطهری، «واژه و معنای آن از فارسی میانه تا فارسی» نوشته کانیون مردابپور، «طرح کلی اندیشه اسلامی درقرآن» سلسله جلسات استاد سیدعلی خامنه‌ای مشهد مقدس رمضان المبارک ۱۳۵۳، «حواصل و بوتیمار»، نوشته امیرحسن یزدگردی و «خواب آشفته نفت» نوشته محمدعلی موجد در سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن معرفی و بررسی شده‌است.



برای همین، شعرش باهمه هم‌روزگارانش متفاوت است. در زمانه‌ای که شاعران همه در دعوای میان احمدشاه و سردار سپه وارد شده بودند و یکی مدح شاه یا سردار سپه را می‌گفت و یکی هجو آنان را، پروین به گفت‌وگوی خیالی میان کیوتربچه و مادرش فکر می‌کرد. شعر را مرور کنیم، کیوتربچه‌ای از شوق پریدن بی‌تاب می‌شود:

کیوتربچه‌ای با شوق پرواز

به جرات کرد روزی بال و پر باز

پریدا از شاخکی بر شاخساری

گذشت از بامکی بر جوکناری

نمودش بسکه دور آن راه نزدیک

شدش گیتی به پیش چشم تاریک به هرحال نمی‌تواند پرواز موفقی داشته باشد و نه راه پس دارد و نه راه پیش و در اوج ناامیدی و خستگی تنها پناهی که می‌یابد، مادر است. برای همین با همه وجودش مادرش را صدا می‌زند. مادر هم به کمک او می‌آید و او را نصیحت می‌کند:

ترا پرواز پس زودست و دشوار

زنو کاران که خواهد کار بسیار هنوزت دل ضعیف و حشه خرداست

هنوز از چرخ بیم دستبرد است

هنوز نیست پای برزن و بام

هنوزت نوبت خواب است و آرام...

مراد: دام‌ها بسیار هستند

ز بالم کودکان پرهاسکستند

گه از دیوار سنگ آمد گه از در

گهم سر پنجه خونین شد گهی سر نگشت آسایشم یک لحظه دمساز

گهی از گریه ترسیدم، گه از باز

هجوم فتنه‌های آسمانی

مرا موقت علم زندگانی

نگردد شاخک بی‌بن برومند

ز توسعی و عمل باید، ز من پند همچنان که می‌بینید، شعر به خاستگاه آشنای شعر فارسی ختم می‌شود، به اندرز و پند و دادن درس زندگی.

آنچه این شعر و دیگر شعرهای پروین را متفاوت کرده، همین تفاوت نگاه است که او به جای این‌که مانند بسیاری از شاعران اندر زنگوی پیش از خود به نقل حکایتی از آنچه میان استادی حکیم و شاگردی کم‌تجربه گذشته، دست بزند؛ زاویه نگاه خود را به مادر و فرزند ی آن هم دو کم‌تر می‌چرخاند. اینجاست که حس‌هایی ناب و کمتر تجربه‌شده را در شعر می‌بینیم، مانند آن‌که مادر به فرزندش می‌گوید من بارها از گریه‌ها و بازها ترسیده‌ام؛ چیزی که در شعر کلاسیک م‌ا واقعا کم‌یاب است.

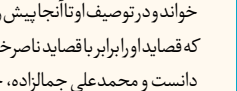
#### بر قفطره سرشک یتیمان نظاره کن

پروین حتی وقتی به اجتماع نظر می‌کند و قرار است شعر اجتماعی بسراید، شعرش همان عواطف زنانه و مادرانه سرگوب شده را دارد. او در زمانه‌ای شعر می‌گوید که شعر اجتماعی و سیاسی به اقتضای وضعیت کشور در اوج است. همه دیوان‌های شاعران آن روزگار را که بخوانید بر است از مدح و هجو چهره‌های سیاسی و اتفاقات روز؛ از تقبیح قرارداد ۱۹۱۹ گرفته تا موضوع گری درباره نطق فلان نماینده در مجلس. در شعر پروین از این جنس شعر اجتماعی نمی‌بینیم. شعر اجتماعی او هم از منظر دلسوزی برای یتیمان و ستم‌کشیدگان اتفاق می‌افتد. او در برابر ظلم همچنین موضع می‌گیرد؛ روزی گذشت پادشاهی از گذر گهی

فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست

پرسید زان میانه یکی کودک یتیم

کاین تانباک چیست که بر تاج یاد شاست... در شعر گذشتگان ما هیچ کس یاد ی از یتیمان نکرده است، همین که شاعری در طول این همه تاریخ ادبیات فارسی، اشک چشم یتیمان را دیده، دلیل تفاوت پروین با شاعران کلاسیک پیش از خود است که در این تفاوت هم ردیابی از حس و حال مادرانه و زنانه شاعر دیده می‌شود.



**پروین حتی وقتی به اجتماع نظر می‌کند و قرار است شعر اجتماعی بسراید شعرش عواطف زنانه و مادرانه سرگوب شده را دارد**

#### در حسرت مادری

یکی از جلوه‌های شاخص شعر پروین، دقیق شدن او در روابط انسانی و ارتباطات عاطفی است. می‌دانیم پروین دختری تنها بوده که مادرش را از دست داده و دوستان چندانی نداشت و حلقه اطرافانش عمدتاً مردان بودند. از همه مهم‌تر این‌که او هیچ‌گاه به آرزوی مادر شدن نرسید. شعرا و تجل‌های این حسرت‌های شخصی است.

### «با هم مثل هم» برای روز قدس

**همزمان با فرارسیدن روز جهانی قدس، نماآهنگ، «با هم مثل هم» به خوانندگی حامد علیزاده منتشر شد. اثر این نماآهنگی در اعتراض به جنایت‌های رژیم صهیونیستی است. آهنگسازی این نماآهنگ را معین طیبی، تنظیم، میکس و مسترینگ را علی وانپار و تدوین این آهنگ را امیرمسعود میرهاشمی برعهده داشته‌اند. همچنین مدیرتولید این اثر نیز حسین علیزاده است. در توضیحات این اثر آمده است: «امسال و با گذشت شش‌ماه از طوفان الاقصی، در آستانه روز قدس قرار داریم. در روزهای گذشته مردم جهان شاهد بودند که رژیم صهیونیستی در جنایت تازه، با محاصره و حمله وحشیانه به بیمارستان شفاء موجب شهادت ۴۰۰ فلسطینی شد.»**

#### قاب

## ادبیات

LITERATURE

چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۷۳۳

#### درک

### این شعرها را پروین نسروده‌است

گسترش پدیده رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، باعث شده انتشار مطالب بدون ویراستاری و بدون منبع زیاد شود. یکی از بلیه‌هایی که این پدیده به وجود آورده، انتشار اشعار جعلی و بدون پایه به نام شاعران است. به این صورت که یک نفر بدون تحقیق و مطالعه، شعری یا متنی را که حتی از نظر ادبی دچار سستی است به عنوان شعر یک شاعر مشهور منتشر می‌کند و این شعر جعلی دست به دست و کانال به کانال می‌چرخد و بعد از مدتی دیگر نمی‌توان شعر اصلی را از شعرهای جعلی تمییز داد. آثار پروین اعتصامی هم به عنوان یک شاعر مورد توجه و مشهور مردم، دچار این معضل شده و برخی شعرها به نام او منتشر و حتی مشهور شده است که از آن او نیست. ما چند نمونه را به نقل از صفحه انجمن مبارزه با نشر جعلیات در زیر می‌آوریم تا اگر شما هم دیدید کسی این شعرها را به اسم پروین منتشر می‌کند به او تذکر دهید که این شعر از آن این شاعر محبوب و محبوب نیست.

این شعر که:

در این دنیا که گرگانش

لباس میش می پوشند

چقدر سخت است فهمیدن

چقدر سخت است خندیدن

چقدر سخت است جنگیدن

نمی‌دانی چرا افتاده‌ای امروز

نمی‌دانی چرا دیگر دیروزی

اولا این شعر دچار مشکلات آشکار وزنی است و انتساب آن به شاعری مانند پروین که شعرهایش از نظر ادبی همگی در سطح بالایی است، ظلم به اوست. ثانیا این شعر در قالب نیمایی است و اگر کسی یک‌بار دیوان پروین را تورق کرده باشد، می‌داند او شعر نیمایی ندارد. شعر دیگری که به نام پروین مشهور شده، این است:

واعظی پرسید از فرزند خویش

هیچ می‌دانی مسلمانی به چیست؟

صدق و بی‌آزاری و خدمت به خلق

هم عبادت، هم کلید زندگی ست

گفت: زین معیار اندر شهر ما

یک مسلمان هست، آن هم ارمنی ست!

البته این شعر به سبک و سیاق شعرهای پروین بسیار نزدیک است اما اگر دیوان اشعار پروین اعتصامی را که موثق‌ترین منبع برای بررسی درستی انتساب شعرها به اوست تورق کنید، می‌بینید که این شعر در دیوان او نیست.

شعر دیگری هم به نام پروین و فردوسی هردو مشهور شده! البته جای این پرسش است که نسبت میان این دو شاعر از نظر زبان و سبک و نوع شعر چیست که یک شعر را به نام هردو منتشر می‌کنند. به هر حال این شعر: یکی ابلهی شب چراغی بجست

که بی او نشد عقد پروین درست

خری داشت آن ابله کوردل

به جان خودش، جان خرمتمصل چنان شب چراغی که ناید به دست

به خواری بر آن گردن خربست

من آن شب چراغ شهنشاهیم

که روشن کن ماه تاهامیم

مرا لیکن این بخت ابله شعار

چنان بسته بر گردن روزگار که شاید تنها دلیل انتساب آن به پروین اعتصامی، وجود کلمه پروین در بیت نخست آن است؛ از شاعری نه چندان مشهور به نام ملا زمانی است که در تذکره نصرآبادی مربوط به دوران صفویه حکایت‌هایی از او آمده است.

